

نوشدارو بعد مرگ سهراب



روزنامه نگار حسن احمدی فرد

آقای مهران رجبی! عذرخواهی شما دقیقا مصداق «عذر بدتر از گناه» است و از گناه شما هیچ نمی‌کاهد. بنا بر ادعای خودتان (چه درست باشد و چه نادرست) یک بار هم مهمان زنده یاد سهراب محمدی بوده‌اید، پس حق این نبود که نمک بخورید و نمکدان بشکنید.

مبنای درخشان و زیبای شأن و منزلت بزرگان با چنین کوتاه اندیشی‌ها و به تمسخر گرفتن‌ها، حتی ترکی بر نمی‌دارد اما قدر و منزلت آن‌هایی را که این سرمایه‌ها و میراث گران قدر را نمی‌شناسند، به خوبی آفتابی می‌کند.

امثال شما هنوز برای اجرای چنین برنامه‌هایی باید بسیار خاک صحنه بخورید تا دریابید مانایی تاریخ و فرهنگ و هنر این مرزوبوم به وجود همین میراث معنوی گره خورده است.

اگر نمی‌دانای، بدان که استاد کم‌ظنیر، زنده‌یاد سهراب محمدی از آخرین بخشی‌های کرامنج شمال خراسان بود و تنها بخشی‌ای که مدرک درجه یک هنری معادل دکترای نوازندگی و خوانندگی را دریافت کرده بود.

او که در بیرون از ایران هم نام و آوازه‌ای داشت، نخستین خواننده کردکرامنج بود که همکاری خود را با رسانه رادیو آغاز کرد و در برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی و

سه کنج شهر

ایستگاه فوتبال و شب گردی



شب‌های ماه رمضان برای نسل ما، شب‌های شب‌گردی بود. ما، جوان‌ها و نوجوان‌های آن موقع، هر شب، افطار کرده و نکرده بیرون می‌زدیم تا ساعت‌های طولانی بعد از افطار را تا سحر، در شهر بچرخیم. آن هم با پای پیاده. نسل ما، نسل پیاده‌رفتن بود و شب‌گردی.

شب‌های ماه رمضان هم که بیشتر از هر موقع دیگر جان می‌داد برای این‌ها. شب‌هایی که می‌شد تا خود صبح، بیرون بود. مقصد شب‌گردی‌ها هم چندان متفاوت نبود. بیشتر این پیاده‌گرد کردن‌ها، آخرش به صحن و رواق‌های حرم مطهر ختم می‌شد. به جایی که خانه‌امن و آرام همه مشهدی‌هاست. مسجد کرامت هم بود. شب‌های مسجد کرامت، شب‌های تلاوت قرآن بود و دیدن قاریان نامدار، از «ابوالعینین شعیش» تا «شحات انور»، از «جواد پناهی»، تا «شهریار پرهیزگار». مهدیه هم بود و حسینییه همدانی‌ها و مسجد ملاحیدر و مسجد فقیه سبزواری.

کنار این‌ها، جوان‌ها و نوجوان‌های مشهدی، مقصد دیگری هم داشتند در شب‌گردی‌های بعد از افطارشان، جایی که میدانگاهی بزرگی داشت که می‌شد با ده، دوازده نفر دیگر تا سحر دوید و گل زد و سروصدا کرد، بی آنکه کسی از همسایه‌ها شاکی بشود.

نه فقط سالن ورزشی راه‌آهن، که خود راه‌آهن هم، با آن ایستگاه بزرگ

شهید

رمضانعلی روضه خوان

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۷/۲۱



تاریخ تولد: ۱۳۵۷/۷/۸

محل تولد: مشهد

محل شهادت: قزو

اول شخص

سقراط خراسان

یادی از مرحوم محمدتقی شریعتی هم‌زمان با سالروز درگذشتش



روزنامه نگار امید حسینی نژاد

«نام‌این‌بنده محمد تقی. نام‌خانوادگی‌ام‌م‌زینانی، شهرت‌شریعتی‌است.»این‌جمله‌سراغ‌آغاز‌زندگی‌نامه خودنوشت‌سقراط‌خراسان‌استام‌محمدتقی‌شریعتی م‌زینانی‌است. اوسال‌ها‌در‌شهر‌مشهد‌به‌مبارزه با‌جریان‌های‌چپ‌و‌توده‌ای‌پرداخت‌وشجاعانه‌از مکتب‌اسلام‌دفاع‌کرد. اودر‌سال‌۱۲۸۶ خورشیدی در‌م‌زینان متولد شد. پدر بزرگ‌استاد‌از‌شاگردان مرحوم‌ملاهادی‌سبزواری‌بوده‌است. اویس‌از‌طی دوران‌کودکی‌به‌مکتب‌خانه‌محل‌زندگی‌اش‌رفت.

در آغاز، قرآن و پس از آن، خواندن و نوشتن را فرا گرفت. در نوجوانی مقداری از درس‌های مقدماتی حوزوی مثل صرف، نحو و منطق را نزد پدر و عمویش، شیخ حسن م‌زینانی، آموخت. در هفده سالگی برای ادامه تحصیل به مشهد مقدس روانه شد و در مدرسه اقامت گزید. محمد تقی با جدیت و عشق فراوان، ادبیات عرب و معانی و بیان را که از پایه‌های درک و فهم صحیح متون در سی حوزوی و قرآن کریم و احادیث و روایات می‌باشند، نزد استادان مشهور آن وقت، خواند. در این سال هائیز مقداری از معارف ناب قرآنی را از عالم ربانی، آقامیرزا مهدی اصفهانی، کسب کرد. استاد می‌گوید: «می‌خواستیم به مقام اجتهاد برسیم ولی رضا خان مدارس را برچید و طلاب را به نظام و وظیفه برد یا آنکه مجبور کرد که هر کدام کسب و کار دیگری پیش بگیرند.» استاد پس از کسب دانش‌های مختلف و اندوخته‌های مطالعاتی، بر آن شد تا بنا به روایت مشهور، «زکاة العلم» نشره، «برای ترویج و تبلیغ دینی، راه تعلیم و تربیت را با تدریس در پیش گیرد زیرا که در آن شرایط زمانی و مکانی، برای روحانی متعهد و روشن فکری همچون او، بهترین مکان مدرسه و بهترین شغل معلمی بود. وی با این تشخیص در ست، به پایگاه مدرسه و سنگر کلاس دست یافت و با عشق عمیقی که به تربیت نسل جوان داشت، به تدریس تعلیمات دینی و دیگر آموزش‌های لازم برای دانش‌آموزان پرداخت. وی علاوه بر تدریس و کارهای یادشده،

در دبیرستان شاه‌رضای آن روز دبیرستان فردوسی نیز ساعاتی ربه تدریس ادبیات و شریعات می‌پرداخت. بعد از شهر یور سال ۱۳۲۱ که تحولات و پیشامدهای فراوانی در ایران بروز و ظهور کرد که یکی از آن‌ها ایجاد فضای باز سیاسی برای فعالیت گروه‌های مختلف سیاسی در سراسر کشور بود. تبلیغات

روایت روز

فطر، عید باشکوه



روزنامه نگار سید مصطفی رضا هاشمی

هم دانشجو پیدا نمی‌کردی پسر خاله در رشته ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی قبول شد، بعد، یک روز خاله جان با یک پلاستیک آب نبات رنگی گرد آمد خانه ما گفت: «پسرم در مسابقات قرائت دانشگاه اول شده.» عید فطریکی از بهترین روزهایی است که من تجربه کرده‌ام، آدم حالش از ته دل خوب است و نماز عید اوج شکوه این روز است. اینکه آدم‌هایی که یک ماه همه تلاش خود را کرده‌اند تا بندگان خوبی برای خدا باشند، شانه‌به‌شانه هم به پاس قدردانی از خدای مهربان به نماز می‌ایستند و «اللهم اهل الکبریا و العظمه» می‌خوانند، بسیار عزیز است. چه چیزی بهتر از این سراء دارید؟ بهتر از شکرگزاری به درگاه خدایی که رحمان و رحیم است.

سال‌ها پیش که پدر بزرگ و مادر بزرگ زنده بودند، روز عید فطر همه می‌رفتیم خانه بی‌بی، ما پسر خاله‌ها کوچه‌را می‌گذاشتیم روی سرمان. حیف که از آن روزها تنها خاطره‌اش مانده و خانه‌ای که حالا از ما نیست.



نگار: سید مصطفی رضا هاشمی

- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی:
- شهرداری مشهد:
- مدیر مسئول:
- مسئد منسب موسسوی مهر
- سردبیر:
- سید سجاد طلوع هاشمی
- نشانی: میدان شهید
- نمایش دانشگاه ۱
- دفتر مرکزی:
- ۵ - ۳۷۲۸۸۸۸۱
- نمایش: ۳۷۲۳۸۳۱۰
- روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۰
- شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

خیمه

شهر



احمد علی علیه السلام

مَنْ آذَى زَكَاةَ الْفِطْرَةِ تَمَّمَ اللَّهُ لَهُ بِهَا مَا نَقَصَ مِنْ زَكَاةِ مَالِهِ.

هر که زکات فطره را بدهد، خداوند به سب آن زکاتی را که از او کم شده است جبران کند.

به قول خدا

عید خوبان



روزنامه نگار طیبه جهانبخش

روز عید در پایان این ماه مبارک رقم می‌خورد و خداوند متعال هیچ کس را بی‌عیدی و پاداش نمی‌گذارد، چنان میزبانی که مهمانش را بدرقه می‌کند در ظرف دست‌های هر کدامان به اندازه‌ای که در این ماه رسم‌بندگی را به جا آورده باشیم عیدی می‌گذارد. از این روست که این آخرین را فراقی در میان نیست. وصالی است که در آن بندگان خوب خدا جامه نو می‌پوشند و با زکات

و اتفاق جشن می‌گیرند و در قنوت نمازی که به شکرانه چنین عیدی است طلب مغفرت و آمرزش می‌کنند. خوشا به حال سعادتمندان و پاکیزگان که «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَاها، وَفَدَّ حَآبَ مَنْ دَسَّها». هر کس خود را تزکیه کرد رستگار گشت و هر کس خود را با گناه آلوده کرد زیان کار شد.»

گنج زندگی

ما جز تو نداریم تمنای دگر

که یک ماه با چشم و زبان و دلشان روزه گرفته‌اند با لطف و رحمت خاص خودش پاداش می‌دهد. حجت الاسلام و المسلمین انصاریان در این باره می‌گوید: خداوند اذن تا فردا شب که ماه شوال آغاز می‌شود را عید قرار داده است و به همه عیدی می‌دهد. یکی را آمرزش می‌دهد و دیگری را مورد رحمتش قرار می‌دهد. از خدا بخواهیم کسانی که سنشان بالاست گذشته‌شان را ببخشد و عیدی آن‌ها این باشد و کسانی که جوان هستند تا روز رفتن از این دنیا، از قرآن و اهل بیت^(ع) و عبادت و گریه برسیدالشهدا^(ع) جدا نشوند. شاید هیچ عیدی ای بالاتر از این در چنین روزی نباشد.

لیلی بختیاری

صحبت از عید فطر که به میان می‌آید آن‌هم عیدی که پس از یک ماه بندگی و طاعت و عبادت، پایانش به شادکامی و جشن و زکات دادن در راه خدا ختم می‌شود. هر کس در دلش آرزو می‌کند که کاش از این ماه دست خالی بیرون نرفته باشد. هر کسی تمنایی دارد و آرزویی، یک نفر برای دنیا و یک نفر برای آخرتش درخواستی دارد و برخی هم که جز این آرزویی ندارند که «هر کس را سر چیزی و تمنای کسی ست/ ما به غیر از تو نداریم تمنای دگر» (سعدی)

هر چنده که خداوند متعال از عیدی در چنین روزی بندگان را محروم نمی‌کند و به آن‌ها